

بحران هویت زنانه و یا بحران حکومت آپارتاید؟

حمیلا نیسکیلی

روزهای هجده تا بیست و چهارم شهریور بالماسکه سالانه "بزرگداشت هفته زن" برگزار شد. اینبار میلیونها ریال از بیت المال ملت برای برگزاری مراسم و سمینارها و هزینه سفرهای نانخورهای مونث حکومتی شد تا هر چند داغ عدم دستیابی به برکات شرکت در کابینه هنوز تازه است ولی باز برای حفظ آنچه از برکت سرکوب توده زنان نصیبشان شده در صحنه باشند. برآستی هیچ حکومتی مدافعین خود را در چنین موقعیت اسف انگیزی قرار نداده بود. خانم زهرا شجاعی مشاور رئیس جمهوری و رئیس مرکز مشارکت اموززان که از سال ۶۶ در کنار زهرا رهنورد در "شورای فرهنگی و اجتماعی زنان" برای تثبیت حکومت آپارتایدجنسی فعالانه در کنار حکومتگران رکاب زده است گویا از پوشاندن الگوی فاطمه بر قامت زنان شهری ایران دیگر ناامید شده. خانم شجاعی اینبار به زنان روستایی متوسل شده و زندگی فاطمه را به زندگی زنان روستایی ما تشبیه کرده است. اینبار صحنه گردانانی همچون خانم نوبخت، خود اعتراف می کردند که "هیچ یک از زنان به صحبت های شعارگونه در هفته زن راضی نخواهند شد." و البته این بدانمعنا نیست که خانم نوبخت وهم پیاله گانشان از دادن این شعارها خودداری کنند. گله مندی امثال خانم نوبخت بی خود نیست. رئیس جمهورشان نه تنها در رابطه با شرکت زنان در کابینه آن آب پاک را بروی دستشان ریخت بلکه در دیدار با باصطلاح بانوان پیشکسوت فرهنگی و اعضای ستاد بزرگداشت هفته زن گفت: "بحران هویت زنانه با بخشنامه حل نمی شود." خاتمی با وقاحت تمام تلاش کرد تا بحران ادامه حکومت آپارتایدجنسی را زیر نام بحران هویت زنانه پنهان کند و با مقصر قلمدادکردن خود زنان نقش اعمال سیستم آپارتایدجنسی در جامعه سرمایه داری را مسکوت گذارد. رئیس دولت یک حکومت آپارتایدجنسی که از ابتدای تثبیت خود بر ویژگی های زنان و مردان تاکیدداشته تا اعمال جدایی جنسی را در جامعه موجه جلوه دهد، اکنون که زنان با تشریح وضعیت ویژه خود در جامعه خواهان حق می شوند بی شرمانه مدعی می شود که "باید به موضوع حضور زن در جامعه نگاهی انسانی و فراجنسیتی داشت" خاتمی که نمی تواند موقعیت پاییندست زن در قوانین جمهوری اسلامی در ایران را نداند و از نقش زندگی سوز حاکمیت این قوانین در جامعه ایران باخبرنباشد در این دیدار از "بحران هویت نسل جوان و بحران هویت زنان" را یکی از مهمترین مشکلات جامعه کنونی ایران نامید. مقابله جوانان و زنان با قوانین زن ستیز ایران اسلامی و تلاش پیگیرانه آنها برای در هم شکستن دیوارجنسی در جامعه و برداشتن نام الله از پشت قوانین دست ساز بشر نه از روی بحران هویت بلکه برعکس بیانگر بازیابی هویت زنانه آنهاست. دختران و زنان ایران بخوبی می دانند که سیستم آپارتاید جنسی در طول حاکمیت خود تلاش کرده است تا آنان را بعنوان ابزاری برای لذت جویی مردان و برای خدمت به آنان تعریف کند و با کشیدن دیوارجداسازی جنسی در جامعه ایران و همزمان با آن جداکردن زن ایرانی از زنان سایر نقاط جهان امر خدمتگزاری را ممکن گرداند. اکنون دیگر نمی توان بنام هویت ملی و یا مذهبی در مبارزه جهانی زنان علیه ستم جنسی تفرقه انداخت. این ترفند را برخی از دولت ها تجربه کرده اند راه به جایی نبرده اند. اینکه رئیس جمهور اصلاحات باز آن را بکارگیرد برای ما عجیب نیست. فقط گفته برشت به ذهن می آید: آنکه حقیقت را نمی داند بیشعور است ولی آنکه حقیقت را می داند و آنرا دروغ می نامد تبهکاراست.